

فهرست مطالب

سخن مترجم	۹
بخش اول (فصل‌های ۱ تا ۱۵)	۱۳-۲۰۰
بخش دوم (فصل‌های ۱۶ تا ۲۱)	۲۰۱-۲۶۳
سرانجام	۲۶۵
فهرست نام‌ها	۲۶۹

الگوی شخصیت‌های مختلفی شد در سال ۱۸۲۶. مادرش درگذشت و او مسئولیت اداره امور خانه پدری را به عهده گرفت، اما در اوقات فراغت به مطالعات خود ادامه داد و خودآموزی کرد.

در سال ۱۸۲۱ با پدر خود به کانتری نقل مکان کرد که اتفاق مهمی در زندگی‌اش به حساب می‌آمد زیرا در منزل جدید با چارلز بوری و کارولین بوری آشنا شد که روشنفکرانی پیشرو بودند. به تشویق آن‌ها بود که کتاب زنگنه همیسن را ترجمه انگیز دادند. فریادش اشتراک را از آلمانی به انگلیسی ترجمه کرد. پس از مرگ پدرش در سال ۱۸۲۹، برای شش ماه به ژنو رفت و در آن جا به مطالعات گسترده‌ای روی آورد. بعد از بازگشت به انگلستان، در این اقامت خرید و بنرمیر و سیمینتر رویور شد که نشرهای بنموده بود. در این جا با انواع ایده‌های رادیکال آشنا شد و با هربرت اسپنسر و فیلسوف برآوازه دیدار کرد. مراد او این دو به جای رسید که حتی تصمیم به ازدواج هر گرفتند.

فصل ۱

در روزگاری که چرخ‌های ریسندگی در خانه‌های سرِ مزرعه تندتند کار می‌کردند - و حتی خانم‌های متشخص و ملبس به ابریشم و تور نیز برای سرگرمی چرخ‌های ریسندگی چوب‌بلوطی براق داشتند -، در نقاط دوردست میان گذرگاه‌ها، یا در عمق سینه تپه‌ها، می‌شد مردان کوچک‌اندام بی‌رنگ و روویی را دید که در مقایسه با روستاییان خوش‌بینه به بازماندگان نژاد منقرض شده‌ای می‌ماندند. سگ گله با خشم پارس می‌کرد هنگامی که یکی از این مردان بیگانه‌نما در بلندی‌ها ظاهر می‌شد، تیره‌فام در غروب زود هنگام زمستان. از چه رو سگ باید شکل و شمایلی را دوست بدارد که زیر بار کیسه‌ای سنگین قوز کرده است؟ آری، کم پیش می‌آمد که این مردان بی‌رنگ و رو بدون بار مرموزشان از جای خود خارج شوند. خود چوپان هم با آن‌که باور داشت که در آن کیسه چیزی نیست جز نخ کتان، یا طاقه‌های بلند پارچه‌های محکم بافته شده از نخ کتان، باز کاملاً مطمئن نبود که کار بافندگی را، که خیلی هم ضروری بود، یکسره بتوان بدون کمک شیطان پیش برد. در آن روزگار دور، اطراف هر شخص یا شیئی که اصولاً غیرعادی یا حتی گذرا و صرفاً گه‌گاهی بود، مثل سرزدن دوره‌گردها یا چاقوتیزکن‌ها، خیلی راحت انواع خرافات حلقه می‌بست. هیچ‌کس نمی‌دانست خانه و کاشانه دوره‌گردها